

جنبش خلق و اپورتونیستهای

م

به اطراف خود نگاه کنید سر خود را از پنجره کابین کار خود بیرون بیاورید تا بتوانید به ایمن مسائل پاسخ دهید، مگر حکومت اکنون با تیرباران دسته جمعی افراد مسالمت جو و بی اسلحه در همسه جا جنگ داخلی را شروع نکرده است؟ مگر باند های مسلح سپاه بمثابه "برهان" حکومت مطلقه مشغول عملیات نیستند؟

آشکار بودن عملیات انقلابی اکنون یکسوی از مهمترین شرایط نفوذ تربیتی در توده های مردم است هر کسی که دارای چشم بیناست ممکن نیست در این باره شکی داشته باشد که طرفداران انقلاب مسئله قیام مسلحانه را چگونه باید مطرح کنند؟ و . ای . لنین

بار دیگر در ماههای اخیر ما شاهد قلیان جنبش توده ای در مقیاسی وسیع بودیم، که هنوز کمابیش در اشکال و ناگون ادامه دارد. برای تمام کسانی که خود را طرفدار انقلاب میدانند این بسیار امید بخش بود، این پیش درآمد آن تکران تاریخی است که همه ما با امید به آن مبارزه کرده ایم جنبش خلق مسائل سیاست را بشکل وسیعی بمیان مردم برد و آنرا بصورت مسئله روزانه آنها در آورد و در کنار آن موضعگیری های مختلفی را باعث شد. تمام طبقات و اقشار خلق با توجه به کیفیت تضاد هایشان با سیستم آنها تأیید کردند و به نسبت آگاهی سیاسی بدان یاری رساندند، همراه با آن گروهها و سازمانها با تکیه بر دیدگاههای طبقاتی خود سعی در تحلیل و تعیین موضع خود نسبت بدان برآمدند.

مارکسیست - لنینیستها که خود را نمایند "پیگیرترین و دموکراتیک ترین جناح جنبش خلق میدانند در برخورد با حرکت تاریخی توده ها خواستار مبارزه با تمام گرایشات واپسگرایانه ای هستند که ماهیت تاریخی آنها را قلب میکند و میخواهد آنها را مسیر منافع اقشار معینی محدود نماید. اپورتونیسم بمثابه یک جریان طبقاتی در چهره چپ و راست خود در درون جنبش نمایند "چنین گرایشی است. سازمان ما، بعنوان بخشی از پیشاهنگ مسلح خلق، در حالیکه وظیفه خود میدانند با گرایشات ناسالم در درون جنبش مبارزه کند موضع خود را

نسبت به جنبش توده ای روشن مینماید. آنچه برای ما اهمیت دارد این است که در قبال تلاش قهرمانانه خلق چه باید کرد؟ چگونه میتوان از د چار شدن آن به رکود و رخوت جلوگیری نمود؟ جنبش خلق را چه چیز از درون تهدید میکند، چه کسانی امروز از درون با آن به دشمنی برخاسته اند و - واقعیت آنها مسخ میکنند؟ در وهله اول د و گرایش در کنار هم وجود دارند که در تحلیل حرکت توده ها در جهت منافع آن گروههایی که از آن منشا گرفته سمت گیری مینمایند. چپ انقلابی نما در حالیکه از خیزش توده ها به وجد آمده بدون توجه به سازماندهی و دادن جهت یابی صحیح به آن سعی در تحمیل خواستهای آنا رشیستی خود بجنبش مینماید و میخواهد از حرکت آنها توجیهی بر نقطه نظرهای چپ روانه خود بترشد. آنها در حالیکه لزوم پیوند یافتن با جنبش توده ای را انکار میکنند و اصلاً تلاشی در این زمینه نمی نمایند. در زیر شعارهای چپ آشفته فکری انقلابی خود را پنهان مینمایند و بدین گونه انرژی انقلابی توده ها و نیروهای پیشاهنگ را بهیچ وجه نمیدهند.

اپورتونیسم چپ گامهای استوار سنجیده ای که نوید بخش آینده است را فدای نتایج ملموس و عملی مینماید آنها همیشه از ارائه ادامه کاری عاجز هستند خصوصیت ویژه این جریان مدام از این شاخ به آن شاخ پریدن است. برداشت آنها از سرشت تبلیغی عملیات مسلحانه سخت محدود و اراده گرایانه است برخورد یکجانبه به نقش پیشاهنگ و در نتیجه نقش مطلق برای عمل مسلحانه قائل شدن و در نتیجه د چار این توهم شدن که هر عمل مسلحانه میتواند بهد فهای جنبش مسلحانه خدمت کند. چنین برداشتی نتیجتاً باعث خواهد شد که آنها به شیوه های اقتصادی و سیاسی مبارزه بهائی ند دهند و در تربیت اصولی کارهای خود د چار غفلت گردند در برخورد با جنبش بین المللی آنها هر عمل مسلحانه ای را که از طرف هر گروهی صورت گیرد بدون اینکه تحلیل مشخصی از شرایط آن جامعه و ماهیت جریان داشته باشند تأیید میکنند. منشاء طبقاتی این جریان را در درون جنبش بایست در گرایشات خرد و بورژوازی رادیکال در شرایط فقدان یک پیشاهنگ نیرومند پرولتاریائی جستجو نمود. وجود اندیشه های چپ در جنبش از طرفی باعث میگردد که قادر نباشیم با واقعیتهای تاریخی و شرایط عینی خود برخوردی مارکسیستی داشته باشیم و در تحلیل حرکات توده ها د چار توهم گردیده و نتوانیم موضعی اصولی در قبال آن اتخاذ کنیم و این به اپورتونیسم راست بمثابه یک دشمن عمد و بقول رفیق لنین عمد در مقیاس بین المللی

فرصت خواهد داد تا از برخورد های چپ در توجیه
مواضع خود سود جوید از آنجائی که در یک دوره
جنبش در معرض ابتلا به چپ روی قرار داشت
در حالیکه ما از نظر تئوریک به بسیاری از جنبه های
آن در گذشته آگاهی یافته ایم اما این به مفهوم
نابودی آن نیست ، هنوز در شیوه برخورد های ما
بقایای آن بچشم میخورد ، وجود بقایای آن ما
را در چار خورد ه کاری خواهد نمود و از وظایف
اساسی که در شرایط حاضر در قبال جنبش توده ای
بمعهد ه داریم باز خواهد داشت . چنین است که
مبارزه با اپورتونیزم راست در این مرحله بطور
اجتناب ناپذیری از کانال مبارزه با این انحراف چپ
در درون جنبش میگذرد (۱) .

اما در مورد گرایش دوم - برخاسته از
آن کهنه سیاست بازان افشاء شده ای که در سالها
زمستانی و سرد جنبش در پستوهای گرم خود پنهان
شده بودند و از آنجا مدام امریه و دستور العمل -
صادر میکردند و تقاضاهای خنده آور و مکرراتیک
خود را برای رژیم فاشیستی تکرار میکردند . آنها
که از تجربه های گذشته خود هیچ نیاموخته اند
(و نمیخواهند بیاموزند) هر روز بیشتر از توده ها
و مبارزات آنها فاصله گرفته و بدین ترتیب راه هرگونه
برخورد خلاق و صادقانه با مسائل جنبش را از دست
دادند و در چار آن برداشتها و نقطه نظرهای
سفیهانه ای شده اند که نلین از آنها بصورت مغزها
جامد (آدمهای توی قوطی) یاد میکند . آنها
در حالیکه امروز سعی دارند خود را به جنبش
تحمیل نمایند و حتی ادعای بیشترین سهم را در آن -
دارند خود را ادامه دهندگان منحصر بفرد جنبش
کمونیستی میدانند . ادعای آنها آن داستان
روستائی را بیاد میآورد که میگویند : مردی در حال
شکستن هیزم بود روستائی دیگر در حالیکه در زیر
سایه درختی نزدیک او نشسته بود ، هرگاه
آن مرد هیزم شکن تبر را بر هیزم فرود میآورد آن مرد
سایه نشین با خود هن میگفت و سرانجام هنگامیکه
هیزم شکن روانه بازار شد و نتیجه کار خود را فروخت
آن مرد جلوی او را گرفت و سهم خود را مطالبه
کرد هیزم شکن با تعجب گفت که تو چه کرده ای که
که چنین ادعائی داری ؟ آن مرد گفت که وقتی تسو
تبر را بائین میآوردی هنش را من میگفتم بدین سبب
شریک کار تو هستم . (با این تفاوت که آن مرد
هنگوی بی آزاری بود و در کار هیزم شکن اخسلاص
ایجاد نمیکرد) .

ببینید یکی از نویسندگان این جریان در این
مورد چگونه برخورد میکند : " یکی از شایستگیها
و سزاویهای برجسته حزب توده ایران که شهرت
(۱) - نبرد با دیکتاتوری ... رفیق جزنسی "

پردامنه ای دارد جان سختی و قابلیت حیثیات
فوق العاده آن است در کشوری که در آن سنت
مبارزات حزبی بکلی ناچیز و اکثرا احزاب سیاسی
مانند حباب صابونند حزب ما طی ۳۵ سال نبرد
سهمگین ، شدیدترین هجوم های مداوم دشمن را
دفع کرده و هر بار از زیر آوار حوادث کمر شکن
مردانه بپا خواسته است تا راه دشوار و پرافتخسار
خود را با پیشانی باز طی کند و به این سزاواری حزب
ما دوست و دشمن اعتراف دارد ! "

عرصه این نبرد سهمگین در کدامیک از سیارات
بوده است ! ۳۵ سال نبرد سهمگین ! آقایان
شنیدن این ادعا برای مرد میکه سالها در زیر حا -
کمیت یکی از فاشیستی ترین دیکتاتوری های تاریخ دست
و پا زده اند و ناظر حیات منفعلانه تشکیلات شما
بوده اند چیزی جز نفرت بیار نخواهد آورد . این
حرف کسانی است که فقط با کلمات خود را ارضاء
میکند نویسند ه این مطالب تا آنجا پیش میرود که
در برخورد با یکی از بزرگترین نقطه عطف های جنبش
(و در عین حال نقطه ای که اپورتونیزم مردان در
توجیه خیانت تاریخی تشکیلات خود میگوید : اگر
ما در ۲۸ مرداد تمللی کردیم بدین دلیل بود
که میخواستیم با مصدق مشترکا عمل کنیم ولی او حاضر
به این همکاری نشد و میگوید ما اشتباه کردیم
(خیلی خونسرد) که مستقلانه وارد عمل نشدیم
و سپس در حالیکه ما را دعوت بیک تحلیل خونسردانه
و علمی از آن میکنند میگوید تنها نتیجه ای که
از آن میتوانید بگیرید درست بودن و اصولی بودن
مشق ما بود علیرغم اینکه در این مورد اشتباه کردیم
و در جای دیگری از نمایندگان این تشکیلات
جان سخت و نمایند ه بلا منازع طبقه کارگر با عنوان
مقاله خود بنام " در برابر طبقه کارگر اهما ل کردیم "
با انتزاع سازیهای خود رابطه جنبش نوین انقلابی
طبقه کارگر را مورد پرسش قرار میدهد و انتقاد از
جنبش را تبدیل به پوششی برای تمامی گناهان
خود میکند و اینکه سالهایی که گذشت خزان جنبش
بود و حال شرایط عینی در حال رشد است و باغ های
بشارت و امید در حال روئیدن است (البته
با پیدا شدن آنها) . اینجا عمدا فراموش میکنند
که اهما ل کاران واقعی چه کسی بوده است جنبش
نوین که علیرغم کم تجربگی و نارساییها در صحنه
خونین ترین پیکارهای اجتماعی در پی راهیابی و بازگردن
گره گور جنبش بوده است یا در دسته کمیته مرکزی
که عنوان پرطمطراق حزب طبقه کارگر بودن راه ۳ سال
تکرار کرده اند .

این کمال فریبکاری است که خواسته باشیم
با مورد حمله قرار دادن دیگران تمامی کجرویهای
خود سرپوش بگذاریم این جز شارلا تانیزم سیاسی
مفهومی ندارد . خیانت اپورتونیزم سنتی را در جنبش

انقلابی ایران هیچگاه فراموش نخواهیم کرد واز تکرار هزاران باره آنچه کرده و میکنید خسته نخواهیم شد گذشته و حال جریان اپورتونیستی همچون تازی در هم تنیده است بدون افشاء همه جانبه آن نمیتوان ماهیت اساسی آنرا نزد توده ها برملا نمود اگر در گذشته آنها از موضع خرد بورژوازی سعی در رزید شدن به طبقه کارگر را داشتند امروز با تحول شرایط اقتصادی اجتماعی و رشد گروه بورژوازی لیبرال درون طبقه حاکم با طرح شعار دفاع از دموکراسی بورژوازی و جمهوری دموکراتیک بورژوازی بمثابه مدافعین بورژوازی لیبرال ظاهر گشته اند و نقش رسوخ دهندند اندیشه های رفرمیسم بورژوازی را به درون جنبش انقلابی بعمده گرفته اند (چون خرد بورژوازی در شرایط حاضر اذیت تر از آنست که آنها بتوانند بدان نزدیک شوند).

در این موقعیت مبارزه ایدئولوژیک نیروهای انقلابی برای طرف نمایندگان رفرمیستی از درون جنبش به یک ضرورت عام تبدیل شده است آنها در شرایطی که جنبش خلق در حال گسترش است و رژیم را دچار مشکلات و بحران های بسیاری نموده در حالیکه در لباس دوستان مردم درآمده اند از پشت بد آن خنجر میزنند و از اینکه مردم در مبارزه خود نزاکت و انضباط بورژوازی را نفی کرده اند و خشم و نفرت خود را نسبت به رژیم به صورت حمله قهرمانانه به تمامی مظاهر آن نشان میدهند و باعث گشتند که رژیم به تمامی ماهیت ضد خلقی خود را با سرکوب خونین مردم غیر مسلح نشان دهد روی ترش نموده و از مردم میخواهند در اعتراض خود از چارچوب منافع لیبرالیسم بورژوازی خارج نشوند چرا که این شکل از اعتراض لیبرالهای ما را خانه نشین خواهد نمود و فرصت اینکه جنبش را بوسیله ای برای چانه زدن با رژیم تبدیل کنند از آنها بگیرد.

در شماره فوق العاده سه شنبه ۹ اسفند نوید تحت عنوان (درد شورانگیز به مردم قهرمان تبریز) نمونه کاملی از این دیدگاه را مشاهده میکنیم "..... رژیم بنا به شیوه همیشگی خود با دست زدن بیک سلسله خرابکاری بدست چاقو کشان و اوباشان ساواک در تقلاست این بربریت آدمکشانه خود را توجیه کند و کسانی را که با استفاده از حقوق حقه قانونی خود در نهایت نظم دست به تظاهرات زدند مورد آزار و اهانت و تعقیب قرار دهند" مردم ما در طی سالها حاکمیت رژیم فاشیستی شاه بارها و بارها شاهد بگلوله بستن تظاهرات آرام خود بوده اند و به اندازه کافی مفهوم تظاهرات منظم و مسالمت آمیز را درک کرده اند در اینجا دیگر تظاهرات مسالمت آمیز فقط آن تظاهرات فرمایشی است که پاندا از آن رژیم براه می اندازند نه خلقی که

سالها از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود محروم بوده است اینجا رژیم مدتهاست که دیگر قوانین پذیرفته شده خود را در عمل نقض نموده و اینرا مردم میدانند. رفیق لنین میگفت: "نمایندگان بورژوازی لیبرال میخواهند با تزاریسم از راه ملامت یعنی بشیوه اصلاح طلبی از راه گذشت، یعنی بدون اینکه اشراف نجیبی درباری را برجانند با احتیاط یعنی بدون هیچ عمل قاطع با ملاحظت و ادب آقا منشانند سنگس سفید بردست (شبیه آن سنگسی که پطرونکوویچ در موقع شرفیابسی نمایندگان مردم بحضور نیکلای سفاک از یکی از گردن کلفت ها عاریه کرده بود) تسویه حساب نمایند" (۱) روحیه قهرمانی و حماسی مردم در جریان حرکات اخیر اعماق روح هرکس که خود را طرفدار انقلاب میدانند را تکان میدهد و این احساس را بوجود میآورد که در مقابل این همه شوریدگی و روحیه از خود گذشتگی چه پاسخی باید داد اینها که هرگونه صداقت و شور انقلابی را در جریان زندگی بورژوا منشانند خود از دست داده اند هیچگاه نخواهند توانست آنرا درک کنند و تنها میتوانند در برخورد با چنین روحیه ای دچار سراسیمگی شده و مردم را دعوت به رعایت نظم و نزاکت نمایند رفقای ما و بقول مردم تبریز "داس و چکشی هسا" که در جریان قیام قهرمانی تبریز شرکت کرده بودند نمونه هایی از این شور انقلابی خلق را نقل کرده اند که بیان چند نمونه از آن نشان میدهد که مردمی که دارای چنین روحیه و نفرتی نسبت به رژیم هستند آیا میتوانند تظاهرات و خواسته هایشان در مقابل رژیم شکل مسالمت آمیز داشته باشد؟

در جمعی از کارگران و کاسبکاران از پیرو جوان که خود شعارهای ضد ولتی میدادند پیرمردی پر جوش و خروش که پرچمدار ما بود میگفت: چقدر میخواهند خون ما را بکنند، بسوزانید کاخ این ظالمان را.....

جوانی که در محله امیر خیز گلوله ای بگردنش اصابت کرده بود در مقابل کسانی که میخواستند به او کمک کنند گفت بروید بد یگران کمک کنید خوشحالم که در محله ستارخان میمیرم! و کارگری که هدف گلوله در زخمیان قرار گرفته بود فریاد میزد "من سیزین شهید یزم" (من شهید شما هستم)

و دو مادر قهرمان که فرزندانشان شهید شده بودند برقیال این حرف که بیکی از آنها گفته بودند برو جسد پسر را بگیر جواب داد کسی که قربانی میدادند نبال قربانیش نمیرود و دیگر میگفت بعد از این کفشهای کوهنوردی پسر را خواهم پوشید و بجای او به کوه میروم و نمیگذارم جای پسر خالی بماند!

(۱) - د و تاکتیک سوسیال دموکراسی

لیبرالهای ما امروز وضع بسیار خنک شده آوری یافته اند آنها در حالیکه به امید احیاء مکراسی و احیاء فعالیت علنی خود نشسته اند خواستار آن شرایط صلح آمیزی هستند که در آن بتوانند به جمهوری د مکراتیک بورژوازی خود برسند و در چنین موقعیتی که مبارزات پرشور خلق به تمامی ماهیت جنایتکارانه رژیم را به تماشا گذاشته است (چیزی که آنها با دعوت مردم به انضباط و آرامش سعی در پنهان کردنش دارند) آنها تلاش میکنند با به انفعال کشاندن مبارزات خلق آنها در خدمت منافع بورژوازی لیبرال قرار دهند ولی توده ها تند میروند و به رغم آنها زیادی هم شتاب گرفته اند بعد یک تمام زوره ها و ناله و زاریهای بورژوازی لیبرال قادر نیست آنها را متوقف کند و آنها هیچگاه بتوده ها نخواهند رسید و چنین است که از زرادخانه تئوریک خود برای فرمان ایستادن بتوده ها جملات متناسب را بیرون میکشند که "درگیر شدن در یک نبرد رویاروی و قهرآمیز با دشمنی که تا ندان مسلح است و تمامی مواضع قدرت را در دست دارد و هر نوع جنایت و درندگی از او متصور است بمثابة یک ارتش تمرین نده و بی ابزار و بی فرمانده بجنگی نابرابر است نتیجه چنین جنگی پیشاپیش معلوم است و مسئولیت و عواقب آن با عناصر و گروهها و اقشاری است که از نظر تاریخی رسالت و از نظر سیاسی و ایدئولوژیک استعداد و ظرفیت فرماندهی و سازماندهی این ارتش را دارند اما از وظیفه خطیر و حیاتی خود به انحاء مختلف دستاویزهای جورواجور سرپاز زده اند" سپس بیان این مسئله که پیکار مردم در قم و تبریز و دیگر شهرها یک پیکار نابرد بار بود!

ما باز هم می پرسیم که چرا توده ها به نبرد نابرابر با رژیم برخاسته اند؟ نبرد برابر کدام است؟ و چه کسانی از وظیفه خطیر خود سرپاز زده اند؟ و چرا توده ها نابرد دارند؟ آنچه مسئله در رابطه با این جان سختان وجود دارد که میتوان به طرح این سئوالها تا بینهایت در مقابل آنها ادامه داد و جوابشان هم از قبل مشخص است: تا شرایط علنی وجود ندارد نباید به نبرد برخاست باید کار مخفی صرفا سیاسی و سازماندهی کرد تا بتوان در یک نبرد برابر تمامی نیروها را بمیدان کشید. اما دستاورد سازمانگیری انقلابی! و کار مخفی شما در نزد یک به دود ده کدام است چه نیروئی را متشکل نموده و سازمان دادید؟ (می بینید سئوالها باز هم ادامه می یابند و سرانجام استفاده از این جملات لنین که: "مادام که مبارزه طبقه کارگر برای تصرف قدرت در دستور روز نیست بدون تردید باید از اشکال مکراسی بورژوازی استفاده کرد"، و... انقلابیون بی تجربه غالبا می پندارند که کار نیست

شیوه های علنی مبارزه جنبه اپورتونیستی دارد" (۱) شرایط علنی و شعار سازمانگیری انقلابی سر از مبارزه بخاطر مکراسی بورژوازی و جمهوری د مکراتیک بورژوازی بدر میاورد. (با لنین چه میکنند!)

اینکه توده ها در این شرایط مبارزه برخاسته اند از چند عامل سرچشمه میگیرد که عبارتند از:
 ۱- تشدید بحران اقتصادی و سیاسی علیرغم افزایش درآمد نفت و فشار روزافزون بتوده ها
 ۲- وجود سازمانهای مسلح پیشرو که با ادامه مبارزه خود در سطح جامعه بشکستن ترس و خفت توده ها کمک کرده اند و چهره رژیم در درگیری با آنها هرچه بیشتر از نظر داخلی و خارجی افشا شده است.

تفاوتهای حرکت مردم با گذشته عبارت است از:

۱- گستردگی و وسعت آن که برخلاف گذشته مثلا خرداد ۴۲ که جنبش فقط در دوسه شهر بزرگ وجود داشت اینبار ادامه خود را تا شهرها و روستاها گسترده است.

۲- بهم پیوستگی - اکنون مبارزه چندین ماه است بصورت موج بهم پیوسته ای ادامه یافته و تنها در یک مقطع زمانی کوتاه جرقه وار بوجود نیامده است و علیرغم سرکوب خونین رژیم ادامه یافته و با توجه به بحرانهای درون سیستم، رشد و بسط هر چه بیشتر تضادها و رشد آگاهی سیاسی توده ها که در آن مبارزه مسلحانه نقش داشته است، ادامه خواهد یافت.

۳- روحیه تنهاجی - گرچه مبارزات اخیر از تشکیلات و سازماندهی لازم برخوردار نیست و ضعف عنصر پیشاهنگ در آن محسوس است ولی چنانکه مشاهده کردیم توده ها نه با تقاضاهای مسالمت آمیز و صلح جویانه بلکه با آگاهی کامل از سرکوب رژیم به تظاهرات خشونت آمیز متوسل میشوند شخصا شعار سرنگونی رژیم را میدهند این از تجربه گذشته توده ها سرچشمه میگیرد.

و اما در مورد آنچه که بعنوان نبرد نابرابر توصیف میشود حتی کسانی که هم با حسن نیت نه در جهت تخطئه چنین حرفی را تکرار کنند سفیه ترین دگماتیستها هستند که پیروزی جنبش رها نشیخ را هنوز صرفا بشکل قیام لحظه ای ممکن میدانند و تجربه تاریخی معاصر را درک نمیکنند. مبارزه با امپریالیسم پروسه ای است طولانی و مسلحانه که با مبارزات کوچک به اشکال مختلف آغاز شده گسترش یافته و اشکال عالیتری می یابد و در جریان این نبردهای کوچک و بزرگ است که توده ها از مبارزات خود و پیشاهنگ می آموزند. مسلما چنین نبردهائی پراکنده و نابرابر نطفه نبردهای بزرگتر

و تشکل عالیتر را در رده خود پرورش خواهد داد
خلق در پروسه^۱ این نبرد هاست که خود را باز مییابد
و بالاخره خلق ما کمال ناپرد باری خستود
را نشان داد! آری آنها برد باری اپورتونیستها
و بورژوا لیبرالها را ندارند چرا که در تحمل شرایط
موجود هیچگونه منافعی برای خود احساس نمیکنند
در پشت این کلمات چیزی جز منافع طبقاتی
لیبرالیسم که مبارزه^۲ خلق را به انضباط و نزاکت
میخواند وجود ندارد.

رفیق لنین میگفت: "توده ها باید بدانند
که بسوی يك مبارزه^۳ مسلحانه^۴ خونین و تا پای جان
میروند حس تحقیر نسبت به مرگ باید در بین توده ها
شیوع یابد و پیروزی را تضمین کند تعرض بر دشمن
باید فوق العاده جدی باشد شعار توده ها باید
تعرض باشد نه دفاع ناپودی بیرحمانه^۵ دشمن وظیفه^۶
آنها خواهد گردید". و مبارزات توده های ما
به تعمیق هرچه بیشتر این مفهوم در میان آنها
کلك کرد آنها با دادن قربانی و نترسیدن از سرگ
تمامی دستگاه هیولائی رژیم را تحقیر کردند. اما
يك مسئله را هم بخوبی احساس کردند امری که
تبدیل به شعار جمع کوچکی از قیام کنندگان در مشهد
شده بود: "تشکیلات، تجهیزات" آنها ضرورت
آن تشکیلات رزمنده ای را زمره میکردند که قادر
باشد تلاش قهرمانی خلق را از صورت پراکنده و غیر
متشکل بجریان واحدی تبدیل کند و تجهیزات لازم
جهت رویارویی با دشمن سرتاپا مسلح را در اختیار
آنها قرار دهد. (آنچه اینجا مورد نظر است
يك تشکیلات رزمنده انقلابی است نه تشکیلات و
سازماندهی اپورتونیستی که توده ها را دعوت
به برد باری و متانت در برابر سرکوب قهرآمیز
میکنند) توده ها در شرایط اعتلای جنبش بیشتر
از سالهای رکود چیز میاموزند.

ما وظیفه^۷ خود میدانیم که در جهت پیوند
با جنبش توده ای سازماندهی و ارتقاء آگاهی سیاسی
توده ها تلاش نمائیم با توجه به شرایط حاکم بر
جامعه که کاربرد قهر انقلابی را از جانب پیشاهنگ
جهت اجرای وظایف فوق ضروری میسازد تمام گروهها
و سازمانهایی که در این شرایط کار صرفا سیاسی
را بمثابه تنها شکل مبارزه پیشاهنگ عملا طرح
مینمایند چه در شکل دارو^۸ سته^۹ کمیته مرکزی و یا با
شعارهای نفی به اصطلاح مبارزه^{۱۰} مسلحانه جدا از
توده همگی عملا دارای يك ماهیتند هرچند که بعلت
ماهیت افشا^{۱۱} شده^{۱۲} کمیته^{۱۳} مرکزی نزد توده ها آنها
کوشش کنند که با حمله به آن ماهیت اپورتونیستی خود
را پنهان نمایند.

هفت سال از آغاز مبارزه^{۱۴} مسلحانه علییرغم
تمام کمبودها و ضعفهای آن علییرغم حملاتی که از

جانب اپورتونیستها بدان شده و میشود پراتیک انقلاب
توده ها هر روز بیشتر صحت تزه ای اساسی آنرا
ثابت میکند و چنین است که: چون مبارزه^{۱۵} خلق
ما علیه امپریالیسم مبارزه ای است مسلحانه طولانی
چون در مقابل مبارزات توده ها قهر ضد انقلابی
رژیم در فاشیستی ترین شکل آن قرار دارد و ایمن
را توده ها بعینه می بینند و تجربیات ماهیهای
گذشته آنرا عمیقتر به آنها نشان داد و توده ها را
به ضرورت اعمال قهر انقلابی آگاه تر نمود در این
شرایط هر نوع سازماندهی مبارزات توده ها اعم
از مبارزات اقتصادی و سیاسی باید با توجه به نقش
محوری مبارزه^{۱۶} مسلحانه صورت گیرد و در جهت آن
کانالیزه گردد.

" پس در جهت پیوند با مبارزات
خلق در جهت سازماندهی جنبش
خلق در جهت تشکل آن بر محور مبارزه^{۱۷}
مسلحانه بسط پیش"